

## ممنوعیت برقراری رابطه با آمریکا با چه هدفی شکسته شد؟

اشغال سفارت آمریکا و قطع رابطه میان ایران و آمریکا فرصتهای بسیاری را برای ضربه خوردن های پیاپی این کشور، که قدرتمندترین کشور در آسیای غربی و خاورمیانه بود، و نیز تحمیل طولانی ترین و آسیب زا ترین جنگ در قرن گذشته منطقه را بر ملت ایران فراهم آورد. از دست رفتن فرصتهای طلایی تاریخی، بویژه در پی فروپاشی اتحاد شوروی، از جمله این آسیبهای جبران ناپذیر بود. همه آگاهان و خردمندان و نیروهای ملی معتقد بودند که باید، برای حفظ منافع ملی و حساس استراتژیک ایران، رودرویی و دشمنی با آمریکا را که اکنون، پس از کمک به فروپاشی اتحاد شوروی، ابرقدرت بی رقیب جهان شده بود، و قدرتهای اروپایی و آسیایی را نیز وادار به تعامل با خود ساخته بود، پایان داد.

ولی حاکمان بر قدرت نشسته جمهوری اسلامی که در چارچوب محدود ایدئولوژیک خود، توان مدیریت کلان کشور را در راستای پیشرفت و رفاه جامعه در خود نمی دیدند و آمادگی پذیرش یک جامعه باز و آزاد را نیز در چارچوب حاکمیت ملی نداشتند، ستیز با آمریکا را دستاویز قرار دادند تا در سایه آن به یاری یک ساختار پلیسی- امنیتی، جامعه را زیر سلطه خود نگه دارند. هرچند که هرگاه در بن بست قرار می گرفتند و منافع گروهی خود را در خطر می دیدند، پنهان از ملت درهای گفتگو با آمریکا را می گشودند. مذاکرات پنهانی برای پایان بخشیدن به ماجرای زیانبخش گروگانگیری، مذاکرات در طول جنگ هشت ساله و ماجرای مک فارلین را می توان به عنوان نمونه برشمرد.

با روی کار آمدن آقای خاتمی و اعلام سیاست تنش زدایی و مطرح شدن گفتگوی تمدنها، چنین تصور می رفت که اینهه یک مقدمه چینی منطقی برای آغاز گفتگو و برقراری روابط سیاسی با آمریکا است. ولی موضع گیریهای جناح تندروی حاکمیت نشان داد که بدون دریافت تضمین لازم برای تحکیم موقعیت نظام و ساختار موجود حاکمیت، آنها اجازه برداشتن گامهای بعدی را نخواهند داد. آقای خاتمی بناچار تسلیم محافظه کاران شد. در آن روزها، شرایط برای بازگشت ایران به صحنه سیاست بین الملل کاملاً فراهم بود. هنگام سخنرانی رییس جمهور ایران، رییس جمهور آمریکا برخلاف معمول در تمامی مدت به حضورش در اجلاس سازمان ملل ادامه داد، هر دو نفر باهم روبرو شدند و سلام و احوال پرسى کردند، وزیر خارجه آمریکا به گونه ای بی سابقه رسماً نقش آمریکا را در کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت جبهه ملی دکتور مصدق اقرار و نکوهش کرد، ولی خاتمی از وحشت برخورد تند حاکمیت تنشه قدرت نتوانست از فرصت پیش آمده و دری که به روی ایران گشوده شده بود بهره بگیرد و با کاستن از بحران موجبات مذاکرات مستقیم و همه جانبه را برای دستیابی به تعاملی معقول فراهم آورد. ولی مذاکرات و همکاریهای پنهانی مقامهای اطلاعاتی- امنیتی حاکمیت خارج از حوزه اقتدار ریاست جمهوری، در موارد حساسی مانند حمله به افغانستان و سپس حمله به عراق، به گونه ای وسیع و موثر انجام پذیرفت و رضایت آمریکا تامین شد.

در حالیکه در هر دو مورد، چنانکه مذاکرات سیاسی با شرکت دیپلماتهای ورزیده و آگاه به منافع ملی و بصورت آشکار صورت می گرفت، بی شک با حساسیت موقعیت ایران در پیوند با هر دو کشور افغانستان و عراق و کل منطقه، ما می توانستیم دستاوردهای قابل توجهی را بچنگ آوریم. سلطه گری جناح قدرتمدار این فرصت های چشم گیر را از ملت ایران گرفت، که این فرصت سوزی ها تا به امروز ادامه دارد. در جریان بحران هسته ای ایران، بارها همه کارشناسان فریاد زدند و ما در مصاحبه ها و اعلامیه ها اعلام کردیم که نه مذاکره با اتحادیه

اروپا و نه چرخش بسوی روسیه و چین یا دل خوش کردن به قول و قرارهای کشورهای در حال توسعه و جهان سومی، راه چاره برای برون شدن از بحران خواهد بود. ما باید با مذاکره مستقیم با آمریکا به تفاهمی دو جانبه دست یابیم و اجازه ندهیم که دیگران بر روی منافع ملی ما با آمریکا معامله کنند و ایران را وسیله چانه زنی های خود قرار دهند.

با سپرده شدن سُکان قدرت به جریان حزب پادگانی و در پی آن، بیان سُخنانی نسنجیده و آشوب برانگیز، شرایطی پدید آمده که نه تنها آمریکا و اتحادیه اروپا، بلکه بخش عمده ای از جهان را رو در روی خود قرار داده ایم. رای شورای حکام علیه ایران، اظهار عدم اعتماد اکثریت قاطع اعضای شورای امنیت نسبت به حاکمیت ایران و مخالفت گسترده جهانی با انتخاب ایران در شورای جدید حقوق بشر به روشنی حکایت از بی اعتباری ایران در افکار مردم جهان دارد.

در چنین شرایط نامساعدی که کشور ما مورد تهدیدهای شدید و کم سابقه قرار گرفته و سخن از جنگ افزارهای اتمی نیز به میان آمده است، یکباره جناح تندرو ستیزجو به گونه ای غافلگیرانه همه خط های سرخ خودشان را زیر پا گذارده سخن از مذاکره و برقراری رابطه سیاسی با آمریکا را می گویند. رییس جمهور به قدرت نشانده شده آنان نامه بلند بالایی برای رییس جمهوری آمریکا می فرستد و سپس در سفر خود به اندونزی اعلام میدارد که بدون هیچ شرطی آماده گفتگو با همه می باشد.

بدون ورود به محتوای نامه و تحلیل بندهند آن و اینکه آقای احمدی نژاد و حاکمیت جمهوری اسلامی نیز باید به بسیاری از پرسشها، از جمله تجاوز و ستم بر حقوق مسلم ملت ایران و لطمه هایی که توسط انحصارگران قدرت سالیان دراز است که در تمامی زمینه ها بر منافع ملی ایران وارد آمده و حاکمیت باید پاسخگویی ملت باشد، یادآور می شویم که در این نامه هیچ اشاره ای به مسئله اصلی و بحرانی که کشور در آن گرفتار آمده نشده است. در شرایطی که بسیاری از تحلیل گران، کشور را با خطر یک حمله ویرانگر روبرو می بینند، نوشتن نامه ای بر مبنای نگرشهای دینی و اندرزگویی به رییس بزرگترین قدرت جهانی و زشت به تصویر کشیدن عملکردهای او، براستی تا چه حد میتواند یک اقدام سیاسی جدی و بازدارنده بشمار آید و مشکلی را از پیش پای ملت بردارد؟ چند دولت را در جهان، چه قدرتمند و چه در حال توسعه، میتوان نام برد که این نامه را جدی انگاشته و از آن استقبال کرده باشند؟ مگر نه اینست که هر اقدام سیاسی بین المللی برای تاثیربخشی در افکار عمومی جهانی و یا بازتاب مثبت در راستای حل مشکلی یا رسیدن به هدفی که منافع ملی در آن منظور شده باشد انجام می گیرد؟ تنها بازتاب نامه آقای احمدی نژاد، بی اعتنائی دریافت کننده و بی پاسخ گذاشتن آن بوده است، و اعلان اینکه دیگر ضرورتی برای انجام مذاکره رودررو با ایران نیست.

استنباط ما از هدف نوشتن این نامه، که به نمایندگی از سوی جناح تند روی قبضه کننده همه اهرمهای قدرت صورت گرفته، اینست که گروه تازه بقدرت رسیده، پس از چند ماه ستیزجویی و آشوب زایی، به روشنی دریافته که توان ساماندهی اوضاع آشفته کشور را ندارد و بحران اتمی را نیز نمی تواند بگونه ای که برای منطقه و جهان قابل قبول باشد و منافع ملی را نیز حفظ کند، حل و فصل نماید. موضع گیریهای تند و پرخاشگرانه حاکمیت و تهدید آمریکا و غرب به واکنش لطمه زننده خود، نیز نتوانست اتحاد غرب را وادار به عقب نشینی کند. بنابراین، بر آن شده اند تا با نوشتن این نامه مسئولیت درگیر ساختن ملت ایران را در جنگی ویرانگر از دوش خود بردارند و ادعا کنند در بزنگاه آمریکا رابه تغییر روش و مذاکره فراخواندند، ولی تلاشهایشان بی

ثمرماند و درگیری بر ما تحمیل شد. پس آنها مصمم هستند تا آخرین قطره خون مردم و تا نابودی همه سرزمین بجنگند!

با چنین نگرشی، جناح حاکم از جنگ استقبال می کند، زیرا تضمین حفظ قدرت خود را در بروز یک درگیری نظامی می بیند. یک درگیری نظامی این فرصت را فراهم می کند که جامعه بسته کنونی را بشدت بسته تر ساخته و با برقرار کردن وحشتناکترین فضای پلیسی- امنیتی در کشور و سرکوب شدید اکثریت عظیم ملت و حتا بخشی از خودی های درون حاکمیت، برای مدتی قدرت خود را تثبیت نماید، تا شاید در فرصت مناسبتری با گرفتن تضمین هایی، جام زهر را بنوشد.

از سویی دیگر، این نامه می تواند حاوی این پیام هم باشد که جناح حاکم آنقدر قدرتمند است و به ثبات خود اعتماد دارد که می تواند بدون وا همه، از خط سرخ حاکمیت گذر کند و به امریکا پیام دهد که قدرت و جرات مذاکره را دارد و در صورت دریافت تضمین امنیت نظام، آماده رسیدن به تفاهم است.

با توجه به افکار عمومی جهان و انتقادهای قدرتهای جهانی از نقض حقوق بشر در ایران، حاکمیت باید بداند که تا هنگامی که جمهوری اسلامی یکی از سرکوبگرترین رژیمهای جهان بشمار می آید و تا هنگامی که مردم ایران در تعیین سرنوشت خود نقشی نداشته باشند، جامعه جهانی هیچ تفاهمی با حاکمیت ایران نخواهد داشت. موج آزادیخواهی در راستای استقرار دموکراسی جامعه را فراگرفته و بدون دگرگونی ساختار حاکمیت و استقرار حاکمیت ملی، جامعه جهانی با ما آشتی نخواهد کرد.

جهان شاهد مبارزه دانشجویان، کارگران، زنان، اندیشمندان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی و سازمانهای سیاسی ملی است که با وجود همه فشارها، تهدیدها، زندانها، شکنجه ها و محرومیت ها، با همه توان به تلاش خود ادامه میدهند تا افکار عمومی جهان را متوجه خواستههای برحق خود و وضع موجود در ایران کنند. ما میخواهیم که کشور شرایطی منطقی و متناسب با شأن و موقعیت ایران در جهان داشته باشد و با همه کشورهای منطقه و جهان روابط همکاری همراه با احترام متقابل داشته باشد. ملت ایران خواستار انجام انتخابات آزاد زیر نظر سازمان ملل می باشد تا همه افراد ملت از حق شهروندی خود بدون دخالت و قیمومیت و اعمال نفوذ ارگانهای سلب کننده حق حاکمیت ملی برخوردار گردند، و یک مجلس شورای توانمند از نمایندگان راستین مردم تشکیل و یک ساختار جمهوری پارلمانی بدون هیچ پسوند و پیشوند در ایران استقرار یابد. فقط در این صورت است که بحرانهای درونی و بیرونی با هشیاری و با روشهای خردمندانه پایان می یابد و سایه جنگ و خشونت و سلطه گری از کشور و منطقه دور می گردد و گامهایی بلند در راستای پیشرفت و توسعه و رفاه در ایران و در سراسر منطقه برداشته می شود.

۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۵

#### هیئت رهبری جبهه ملی ایران:

عبدالعلی ادیب برومند- مهندس عباس امیرانتظام- دکتر داود هرمیداس باوند- سرلشگر  
بازنشسته ناصر فرید- مهندس نظام الدین موحد- دکتر پرویز ورجاوند.